

نظم عمومی در اجرای احکام دادگاه های بین المللی

امیررضا محمودی^۱ / علی مؤید احمدی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

کد مقاله: JHVMN-2407-1224

چکیده

مسئله شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق ترکیه بین مواد ۵۰ تا ۶۰ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی و آیین دادرسی (MÖHUK) که در تاریخ ۱۲.۱۲.۲۰۰۷ به شماره ۵۷۱۸ به اجرا درآمده، تنظیم شده است. مطابق با این مقررات، یکی از شرایط لازم برای تحقق شناسایی یا اجرای حکم یک دادگاه خارجی در ترکیه این است که "این احکام نباید به وضوح مخالف با نظم عمومی ترکیه باشند." در مطالعه ما، ابتدا به مفهوم نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی و دامنه این مفهوم اشاره خواهیم کرد، سپس اطلاعات مختصری درباره معیارهایی که در شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در حقوق بین‌الملل خصوصی ترکیه مورد توجه قرار می‌گیرد، ارائه خواهد شد. در ادامه، بر مداخله "نظم عمومی" تمرکز شده و اطلاعات مقایسه‌ای مفصلی که موضوع مطالعه ماست، ارائه خواهد شد. در این مرحله، نظریه تأثیر کاهش یافته که مداخله نظم عمومی و هدف این مداخله را توضیح می‌دهد، شرح داده خواهد شد. در چارچوب ممنوعیت تجدید نظر، مرزهای مداخله نظم عمومی و حدود اختیارات قاضی در زمینه معیارهای اساسی و آیینی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در طی این بررسی‌ها، علاوه بر دکترین ترکیه، دیدگاه‌های دکترین آلمان نیز در این موضوع مورد بحث قرار خواهد گرفت و دانش نظری در پرتو تصمیمات دیوان عالی ترکیه تلاش خواهد شد که به صورت ملموس ارائه شود.

واژگان کلیدی: اجرای حکم دادگاه خارجی، نظم عمومی، ممنوعیت تجدید نظر، نظریه تأثیر کاهش یافته، تصمیم مستدل.

^۱ استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

amirreza.mahmodi@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

(نویسنده مسئول)

moayedahmadi@gmail.com



مقدمه

در دعاوی که دارای عنصر خارجی هستند و موضوع حقوق بین الملل خصوصی می باشند، قاضی بر اساس قواعد حل تعارض قوانین، ابتدا تعارض خاص را در چارچوب مفاهیم حقوقی بررسی کرده و قانون قابل اعمال بر اختلاف را تعیین می کند. قانونی که توسط قاعده حل تعارض قوانین تعیین می شود، ممکن است قانون قاضی (قانون محل دادگاه) یا قانون خارجی باشد. اعمال قانون خارجی منوط به عدم تضاد با نظم عمومی از نظر قانون قاضی (قانون محل دادگاه) است. در حقوق بین الملل خصوصی، معنای نظم عمومی با معنای آن در حقوق داخلی مادی متفاوت است، اما بیشتر به لحاظ دامنه محدودتر است. نظم عمومی در حقوق داخلی، قاعده ای است که از حقوق عمومی ناشی می شود و طرفین باید از آن تبعیت کنند. اساساً، این قواعد با منافع جامعه سروکار دارند و امکان تعیین هیچ مسئله ای برخلاف این قواعد در چارچوب اراده آزاد طرفین وجود ندارد. اگر نظم عمومی به معنای حقوق بین الملل خصوصی با قانون قاضی (قانون محل دادگاه) مغایرت نداشته باشد، اجرای قانون خارجی بر یک رویداد خاص لزوماً به معنای...

... مداخله نظم عمومی نیست. دلیل این امر این است که هر سیستم حقوقی کشوری با اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متفاوتی ایجاد شده است. برای این که بتوان از نقض نظم عمومی در معنای حقوق بین الملل خصوصی سخن گفت، نتایج قانون خارجی اعمال شده باید به وضوح با نظم عمومی ترکیه در تضاد باشد. تعریف این مفهوم از نظر تعیین نقض نظم عمومی بسیار مهم است. با این حال، تعریف نظم عمومی با توضیح مفهومی کلی بسیار دشوار است. زیرا این مفهوم، بدون مرز، معنا و دامنه زمانی، بسته به فضا و تعارض با یک هنجار کلی، نمی توان تغییرات را به طور قطعی تعیین کرد. به همین دلیل، رسیدن به یک تعریف کلی از نظم عمومی با شمردن عناصر یکی یکی امکان پذیر نیست، بلکه می توان تعاریف مختلفی توسط دکترین و رویه قضایی دادگاه ها ارائه داد. در ادامه، تعاریف نظم عمومی در دکترین و رویه قضایی ترکیه ذکر خواهد شد و سپس تعاریف در دکترین و رویه قضایی خارجی بررسی خواهد شد. شاید شایع ترین و جامع ترین تعریفی که درباره نظم عمومی ذکر شده است، در تصمیم دیوان عالی کشور آمده است. می توان ارزش های اساسی، برداشت های کلی و اخلاقیات حقوق ترکیه را ترسیم کرد... رویکرد عدالت بنیادی و سیاست های کلی که حقوق ترکیه بر اساس آنها بنا شده است... حقوق و آزادی های بنیادی در قانون اساسی، اصول مشترک حقوق بین الملل، قواعد مبتنی بر اصل حسن نیت متعلق به حقوق خصوصی... سطح تمدن جامعه، رژیم سیاسی و اقتصادی، حقوق بشر و آزادی های محافظت شده در کشور.



در این خصوص، این بیان به عنوان راهنمایی برای دیوان عالی کشور در ارزیابی نقض نظم عمومی خدمت می‌کند.

دیدگاه‌های مختلفی در دکترین وجود دارد که در چه شرایطی قانون خارجی خلاف نظم عمومی در نظر گرفته خواهد شد. بر اساس نظر Çelik-Erdem: «قواعد نظم عمومی، تمام پایه‌هایی هستند که خدمات عمومی را به خوبی در یک کشور فراهم می‌کنند، امنیت و نظم عمومی دولت را تأمین می‌کنند و با اصول صلح و اخلاق در روابط بین افراد سازگار هستند.» بر اساس نظر Şanlı: «برای اینکه یک تصمیم خارجی به عنوان خلاف نظم عمومی ترکیه در نظر گرفته شود، حکم و/یا احکام در آن تصمیم باید خلاف اصول اساسی قانون اساسی یا سیستم حقوقی (اصول غیرقابل تفکیک) و مخالف عرف و اخلاق عمومی جامعه ترکیه باشد.» بر اساس نظر Tekinalp: نظم عمومی به معنای تلاش برای حفظ ارزش‌های بنیادی حقوق ملی مانند برابری، حفاظت از خانواده و شخصیت است. به گفته گورزومار، «این مجموعه‌ای از اصول قانونی، اخلاقی و وجدانی است که باید رعایت شود تا جامعه بتواند به زندگی صلح‌آمیز و هماهنگ دست یابد.»

به گفته گوکیایلا: «این مجموعه‌ای از قوانین است که ساختار اساسی و منافع جامعه را حفاظت می‌کند... و این یک مفهوم عمومی و جامع است که ناشناس است، تلاش می‌کند تا در احکام قانون تجسم یابد، به اختیار قاضی واگذار شده، ناقص و نامشخص است.» در نتیجه، نظم عمومی «وسیع، مبهم، نسبی و متغیر» است. به طور کلی، این مجموعه‌ای از قوانین نماینده است که ارزش‌های اساسی جامعه ترکیه را نمایان می‌کند و منافع اجتماعی را برجسته می‌کند، در معنا و دامنه مبهم است و در نهایت به اختیار قاضی واگذار می‌شود.

مسئله دیگری که در سطح بین‌المللی به مفهوم نظم عمومی مرتبط است، به طبیعت این مفهوم برمی‌گردد. آیا نظم عمومی باید به عنوان یک قاعده استثنایی به عنوان "قانون محل" اعمال شود یا به عنوان یک قاعده مستقل الزام‌آور؟ دکترین بین‌المللی دو رویکرد مختلف برای پاسخ به این سوال دارد. بر اساس نظر اول، که وکلایی مانند مانچینی و پيله از پیشگامان آن هستند، باید قوانین "قانون محل" به جای قوانین خارجی که برخلاف نظم عمومی "قانون محل" هستند، اعمال شوند. بر اساس نظر دوم که ساوینی پیشگام آن است، قوانین نظم عمومی به صورت مستقیم اعمال نمی‌شوند و آنها استثنائات هستند. امکان اعمال قوانین مرتبط خارجی که برخلاف نظم عمومی "قانون محل" نیستند، وجود دارد. اعمال قوانین "قانون محل" باید آخرین راه حل باشد.



۱- گستره نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی

تعیین گستره نظم عمومی نیز آسان نیست. گستره نظم عمومی از دیدگاه‌های مختلف در دکترین حقوق بین‌الملل خصوصی مورد ارزیابی قرار گرفته است. به گفته اکشی، در اساس سه عنصر در محدوده نظم عمومی وجود دارد: «اول، کنوانسیون‌های حقوق بشر و حقوق و آزادی‌های اساسی که توسط قانون اساسی ما تضمین شده‌اند. مسئله دوم اصول اساسی حقوق و نکته سوم اخلاق جامعه ترکیه است.» به گفته دمیر گوکیایلا: «تناقض با ارزش‌های اساسی حقوق ترکیه، مفهوم عمومی و اخلاق حقوق ترکیه، فهم اساسی عدالت در پس‌زمینه حقوق ترکیه، سیاست عمومی که حقوق ترکیه بر اساس آن‌ها قرار دارد، حقوق و آزادی‌های اساسی در قانون اساسی، اصول مشترک در حقوق بین‌الملل، اصول حسن نیت در حقوق خصوصی، اصول اخلاقی پذیرفته شده توسط جوامع متمدن و اصول عدالت، اصول حقوق، سطح تمدن جامعه، نظام سیاسی، نظم اقتصادی جامعه، حقوق اساسی بشر...» مخالف نظم عمومی است. (Tekinalp, Gülören, 2011, 32) دیوان عالی تجدیدنظر محدوده نظم عمومی را در یک تصمیم به شرح زیر تعیین کرده است: «معیاری که باید در نظر گرفته شود برای تعیین نقض نظم عمومی... ارزش‌های اساسی، برداشت عمومی و اخلاق، رویکرد اساسی عدالت در حقوق ترکیه... و سیاست‌های اساسی حقوق، حقوق و آزادی‌های قانون اساسی، اصول کلی حقوق بین‌الملل، توافق‌نامه‌های دوجانبه، حس عمومی اخلاق و عدالت که توسط جوامع پیشرفته پذیرفته شده‌اند، سطح تمدن... و رژیم سیاسی و اقتصادی کشور.» نمی‌توان محدوده نظم عمومی را در هر مورد مشخص تعیین کرد. بنابراین، در هر مورد عینی، باید به‌طور جداگانه حقایقی که نظم عمومی ترکیه را نقض می‌کنند تعیین شوند. با این حال، دشواری این تشخیص آشکار است. (Ekşi, Nuray, 2013, 44)

در قانون حقوق بین‌الملل خصوصی و آیین دادرسی (MÖHUK)، دامنه نظم عمومی در ماده ۵ در خصوص تعیین قانونی که باید اعمال شود، تعیین شده است. این مقررات با مقررات نظم عمومی در حقوق آلمان تطابق دارد. طبق ماده ۶ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی آلمان (EGBGB)؛ "اگر اعمال قانون خارجی به نتایجی منجر شود که به وضوح با اصول بنیادی حقوق آلمان ناسازگار است و به ویژه با حقوق بنیادی سازگار نیست، اعمال نمی‌شود." به طور مشابه، طبق ماده ۵ MÖHUK؛ "این مقررات اعمال نمی‌شود اگر مقررات قانون خارجی صلاحیت‌دار در خصوص یک واقعه خاص به وضوح با نظم عمومی ترکیه مغایرت داشته باشد؛ قانون ترکیه زمانی که ضروری تشخیص داده شود اعمال می‌شود." اولین شرط برای اعمال این مقررات وجود یک مقررات مغایر با نظم عمومی است. اگر نتیجه حقوقی اعمال قانون خارجی نظم عمومی و وجدان ترکیه را در



سطحی غیر قابل تحمل نقض کند، و به بیان قانون، نقض قانون "به وضوح" باشد، اعمال قانون خارجی به دلیل نقص نظم عمومی اعمال نمی‌شود. (Demir Gökyayla, Cemile, 2001, 219) در اینجا، قاضی دارای اختیار وسیعی است. قاضی می‌تواند از اختیار خود برای گسترش دامنه مداخله نظم عمومی استفاده کند یا آن را محدود کند. به نظر ما، بیان "به وضوح" در حکم دارای طبیعتی بسیار محدود برای اختیار وسیع است. از سوی دیگر، این که قانون خارجی دارای ترتیب حقوقی متفاوتی نسبت به قانون ترکیه باشد که شامل همان مقررات می‌شود، هیچ تناقضی با حقوق ترکیه ایجاد نمی‌کند.

نظم عمومی. جستجو برای یافتن یک قانونی که همپوشانی بین قانون خارجی و قانون ترکی داشته باشد، نمی‌تواند به جز به نتیجه نرسد. قانونگذاران هر ایالت ترتیبات لازم را در چارچوب اهداف حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مختلف می‌بینند. بنابراین، تفاوت‌های محض اجتماعی نباید نیاز به مداخله در نظم عمومی داشته باشند. تضاد صریح نتیجه قانون خارجی که به نظم عمومی ترکیه تعارض دارد، در صورت لزوم فقط زمانی که ضروری است، اجرای قانون ترکیه را می‌طلبد. بنابراین، همیشه ضروری نیست قانون ترکیه به جای قانون خارجی که به نظم عمومی ترکیه معیوب شده است، اجرا شود. عدم اجرای قانون خارجی به دلیل نقض نظم عمومی ترکیه، اثر منفی نظم عمومی را نشان می‌دهد. اجرای یک ماده خاص در قانون ترکیه به یک مورد مشخص که متضاد با نظم عمومی است، به وجود آمدن اثر مثبت نظم عمومی را توضیح می‌دهد. یک نکته دیگر که موثر در ارزیابی دامنه مفهوم نظم عمومی است، رابطه بین طرف‌های پرونده و کشوری است که مداخله در نظم عمومی در اختلافات مرتبط با عنصر خارجی ذکر شده است. در چنین مواردی که؛ یکی یا هر دوی طرف شهروندان ترکیه هستند یا رابطه حقوقی قصد دارد در ترکیه برقرار شود، احتمال مداخله در نظم عمومی افزایش می‌یابد. باید توجه داشت که در بسیاری از تصمیمات، دیوان عالی دادگستری ارزیابی‌های نسبتاً آشتی‌ناهی انجام داده است، به طور قطع شرایطی را که نیاز به مداخله در نظم عمومی دارند، بدون توجه به طبیعت و پیامدهای حقوقی ماده مربوطه در قانون خارجی شمرده است. حوزه‌هایی مانند "پذیرش"، "نقشه"، و "نگهبانی" و در برخی تصمیمات بین مواردی که به طور مستقیم نیاز به مداخله در نظم عمومی ترکیه دارند، فهرست شده است. (Demir Gökyayla, 1997, 37)



۲- مفاهیم شناخت و اجرای حقوق در حقوق بین الملل خصوصی

به طور کلی، حقوق پایگاهی از خودمختاری دولت‌ها است و داخل مرزهای کشور استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، دولت‌ها نمی‌توانند حقوق خود را در هر دولت دیگری اعمال کنند. با این حال، در برخی اختلافات، تصمیم دادگاه در حیطه‌ی یک ایالت باید همچنین مفاد و پیامدهایی در حیطه‌ی یک ایالت دیگر هم داشته باشد. در چنین مواردی، تصمیم دادگاه وابسته به شناخت و/یا اجرای تصمیمی که در ایالت خارجی انجام می‌شود، است. بنابراین، برای بحث درباره مفاهیم شناخت و اجرا ابتدا باید اشاره کرد به دو ایالت. تصمیماتی که توسط دادگاه یک ایالت انجام می‌شود در نهایت دو پیامد دارد. اولین پیامد تصمیم نهایی و اثر مدیون و دلیل نهایی است. دومین پیامد، قابلیت اجرایی است. تصمیم دادگاه خارجی باید "صلاحیت اجرایی" (exequatur) را داشته باشد تا بتواند هم اثر نهایی و هم قابل اجرا داشته باشد. شناخت قبول تصمیم دادگاه خارجی فقط در ایالتی است که اثر یک حکم نهایی را شناخته است. همانطور که مشاهده می‌شود، شناخت و اجرای تصمیمات دادگاه خارجی، رویه‌های قضایی است که نتایج مختلفی را تولید می‌کند. شناخت یا اجرای یک تصمیم دادگاه خارجی بر اساس محتوای آن تصمیم تعیین می‌شود. شرایط شناخت و اجرای رای‌های دادگاه خارجی در حقوق بین الملل خصوصی ترکیه شناخت یا اجرای یک رای دادگاه خارجی، به عنوان توضیحی بالادستی، در تأثیر آن رای دادگاه خارجی متفاوت است. بنابراین، شرایط شناخت یا اجرای یک رای دادگاه خارجی دقیقاً یکسان نیست. در مورد اجرای رای‌های دادگاه خارجی به موجب MÖHUK (شماره ۵۷۱۸)، شرایط "تعامل" به علاوه تمامی شرایط مورد نیاز برای شناخت مورد نیاز است. (Nomer, Ergin, 2018, 92)

حقیقت این است که ممکن است یک رای دادگاه خارجی موضوع شناخت یا اجرا باشد که در اصل به ارائه شرایط اولیه خاصی وابسته است. این شرایط اولیه در ماده ۵۰ از MÖHUK به شرح زیر تعریف شده‌اند؛ اجرای حکم‌های نهایی صادر شده بر اساس قانون دولت در مورد پرونده‌های مدنی توسط دادگاه‌های خارجی در ترکیه بستگی به حکم‌های دادگاه مختص ترکیه دارد.

(۱) تصمیم مورد ادعای اجرا باید توسط یک دادگاه دولت خارجی ارائه شود. به عبارت دیگر، به جز نهادهای قضایی دولت‌های خارجی، مثلاً تصمیمات نهادهای اداری در این بستر نیستند. استثناً در ماده ۳۰ (۲) قانون خدمات جمعیت وجود دارد. به موجب این ماده، اگر تصمیمات اداری دولت‌های خارجی در مورد پذیرش طبق قانون دولتی که اعطا شده‌اند پایان یافته باشند، ممکن است موضوع شناخت و اجرا قرار گیرند. علاوه بر این، در توافقنامه شناخت و اجرای تصمیمات در خصوص



الزامات نفقه، که ترکیه نیز امضا کننده آن است، ذکر شده است که تصمیمات ارائه شده توسط مقامات اداری ایالات قراردادی قابل شناخت و اجرا هستند.

۲) تصمیم باید مربوط به پرونده‌های حقوقی باشد. در معیار دوم، واقعیت این است که تصمیم دادگاه خارجی مربوط به پرونده حقوقی به معنای آن است که رابطه‌ای که تصمیم از آن نشأت گرفته است، به منظور برقراری یک رابطه حقوق خصوصی است. بخش‌های مرتبط با حقوق شخصی محکومیت‌های جنایی صادر شده توسط دادگاه‌های دولت خارجی می‌توانند موضوع تشخیص و اجرا قرار گیرند. (ماده ۵۰ (۲) مصوبه MÖHUK)

۳) تصمیمی که درخواست اجرای آن شده است باید توسط دادگاه دولت خارجی که صادر شده است نهایی شده باشد. رویه‌های تشخیص و اجرا نمی‌توانند برای تصمیمی که توسط دادگاه نهایی نشده است، اجرا شود. طبق نظریه، نظرات مختلفی درباره اینکه چه معنایی دارد که یک حکم نهایی توسط دادگاه دولت خارجی صادر شود وجود دارد. طبق یک نظر، کافی است که تصمیم به صورت رسمی طبق قانون دولت خارجی نهایی شود. طبق دیدگاه دیگر، این کافی نیست که تصمیم به صورت رسمی نهایی شود. علاوه بر این، تصمیم باید به معنویت نهایی شود. طبق ماده ۵۵ از MÖHUK، آمده است که؛ "... ترجمه که توسط مقامات کشور تأیید شده و تأیید شده توسط مقامات کشور باید ارائه شود ...". تصمیم دادگاه با این ویژگی‌ها، باید با ماده ۵۴ از MÖHUK (معاهده حقوقی بین‌المللی در زمینه دعاوی مدنی و تجاری) تطابق داشته باشد تا بتواند اجرایی شود و همچنین شرایط ضروری در ماده ۵۸ از MÖHUK برای تشخیص تأیید، لازم است و اساسی است که بتواند شرایط اساسی تصمیم را پذیرفته و تصمیم گرفته شود، به طوری که دادگاه‌های ترکیه بتوانند تصمیم را تأیید یا رد کنند. (Demir Gökyayla, 2003, 26)

طبق ماده ۵۴ از MÖHUK، تصمیم اجرایی توسط یک دادگاه مرکزی به شرایط زیر وابسته است:

"الف) وجود توافق مبنی بر تعادل بین جمهوری ترکیه و کشوری که حکم صادر شده یا در آن کشور وجود مفادی حقوقی برای اجرای اقدامات از دادگاه ترکیه یا تمرین عملی وجود دارد."

در تشخیص حکم‌های دادگاه خارجی، تعادل نیازمندی شرطی نیست مانند اجرا؛ به عنوان یک اصل عمومی اشاره دارد که حق هر دو شهروند برای بهره‌مندی از برخی حقوق بر اساس تشخیص متقابل همان حقوق بین جمهوری ترکیه و کشور حکم خارجی صادر شده که اجرای آن درخواست شده است استوار است. سه نوع تعادل وجود دارد: اولی "تعادل قراردادی" است که اعلام می‌کند که



تعالادل طبق رابطه قراردادی به وجود می‌آید؛ دومی "تعالادل حقوقی" است که وضعیت ارائه حقوق خاص برای شهروندان یک کشور داده را از طریق قانون بیان می‌کند. سومین نوع تعادل، تعادل واقعی است. بنابراین، اجرای تصمیم دادگاه ترکیه با همان ویژگی در کشوری که تصمیم اجرایی درخواستی اتخاذ شده است، انجام می‌شود.

ب) جمله به موضوعی اشاره می‌کند که تحت دارایی اختصاصی دادگاه‌های ترکیه نیست یا جمله توسط یک دادگاه صلاحیت‌دار از دولت صادر نشده است، حتی اگر ارتباط واقعی با پرونده یا طرف‌ها نداشته باشد، با شرط اینکه متهم اعتراض کند.

ج) این مقررر نباید به وضوح با نظم عمومی متضاد باشد.

د) طبق قوانین کشور، شخصی که درخواست اجرای آن را دارد، به طور معقول اخطار نشده است یا در دادگاه حاضر نبوده است یا در تضاد با این قوانین، شخص در غیاب محکوم می‌شود و این شخص در مقابل اجرای ادعاهای مبتنی بر هر یک از امور فوق اعتراضی به دادگاه‌های ترکیه نکرده است. عدم رعایت حق دفاع در تصمیمات دادگاه خارجی فقط با اعتراض طرف به حساب خواهد آمد، مانند موضوع تشخیص و اجرای صلاحیت بیش از حد. یک نظریه اعلام شده در نظریه حقوقی ادعا می‌کند که عدم رعایت به دلیل حق دفاع در دسته حقوق اساسی باید توسط داور به طور از دفتر اتوماتیک مد نظر گرفته شود. یک تصمیم دادگاه خارجی به دلیل رعایت حقوق دفاع موجود در ماده فرعی ۵۴/۷ از MÖHUK ممکن است در موارد مذکور در مقررر مطرح شده خطا در تصمیماتی که منجر به نقض حق دفاع می‌شود اما در موارد مورد نظری که در ماده ۵۴/۷ از MÖHUK به عنوان محدودیت محسوب نمی‌شود، ممکن است طبق مقررر در ماده ۵۴/۷ از MÖHUK ارزیابی شود. به موجب ماده ۵۷ از MÖHUK، به منظور پذیرش حکم نهایی یا مدرک قطعی اثر تصمیمات دادگاه خارجی، " (۱) واقعیت این است که مراحل دادگاه خارجی می‌تواند به عنوان مدرک قطعی یا یک مقررر قطعی‌وابسته به تعیین اجرای خارجی توسط دادگاه است. پیش‌بینی می‌شود که بند (الف) بند اول ماده ۵۴... در تشخیص اعمال نشود. الزامی است که دادگاه‌های ترکیه یک تصمیم دادگاه خارجی را که شرایط اولیه و اساسی MÖHUK را در مورد تشخیص و اجرا ارضا می‌کند، اجرا کنند. با این حال، درخواست تشخیص یا اجرای تصمیم دادگاه خارجی که شرایط مربوطه را برآورده نمی‌کند، ممکن است رد شود. در صورتی که در مورد مورد مناقشه با همان افراد و موضوع پرونده در دادگاه‌های ترکیه، در صورتی که تصمیم دادگاه خارجی



تشخیص داده نشود یا اجرا نشود، تصمیم دادگاه خارجی مربوط به عنوان شواهد مورد نظر در نظر گرفته می‌شود. (Ökçün, Gündüz (۱۹۶۷, ۲۶)

همانطور که در بالا ذکر شد، اینکه تصمیم دادگاه خارجی برای تشخیص یا اجرا توسط دادگاه ترکیه به نظم عمومی ترکیه مخالفت نکند، پذیرش اثر حقوقی قانون خارجی در زمینه تشخیص و اجرا باید توسط مداخله نظم عمومی محدود گردد، به تطابق با رابطه بین ارزش‌های اجتماعی در دولت اجرایی و تصمیم دادگاه خارجی. در این زمینه، تا جایی که منافع ملی تمرکز می‌یابد، حوزه تأثیر مداخله نظم عمومی باید گسترده شود و تنگ‌تر شود تا به حدی که سبک‌تر شود. داور باید تعادل منافع را در چارچوب قدرت تشخیصی حفظ کرده و تعادل بین منافع ملی که مداخله نظم عمومی را تشکیل می‌دهد، اینجا به توازن بین احترام به حقوق مدنی و سیاست‌های خارجی کشورهای دیگر اشاره شده است. این توازن توسط "نظریه اثر وتر" در این مذهب توضیح داده می‌شود. این نظریه بر اساس حقوق فرانسوی شکل گرفته است و به مقرراتی اشاره دارد که به حفظ نظم عمومی می‌پردازند. بنابراین، حتی اگر یک حقوق ملی با قوانین یک کشور سازگار باشد، اما با نظم عمومی آن کشور در تضاد باشد، تصمیم به رعایت نظم عمومی گرفته می‌شود. این امر به عهده داوری است که در تصمیم‌گیری‌های خود توازنی بین حقوق مدنی و رعایت نظم عمومی را مد نظر دارد. تعادل منافع در دادگاه خارجی حفظ می‌شود و این تعادل منافع توسط "نظریه اثر ضعیف" در اصول توضیح داده می‌شود. این نظریه از حفظ نظم عمومی برای اولین بار در حقوق فرانسه با تصمیم منزر در سال ۱۹۶۴ مطرح شد. در این تصمیم آمده است که تصمیم حاکم دادگاه خارجی که به بررسی اختلاف مرتبط می‌شود، نیاز به مداخله در حفظ نظم عمومی به مطابقت با قانون فرانسوی دارد، نه تنها برای کل حادثه، بلکه برای بخشی از نظم عمومی. حقوق خارجی که با نظم عمومی فرانسه تضاد نداشته باشد، همچنان اجرا خواهد شد. یک وضعیت قانونی ممکن است با قانون ملی فرد سازگار باشد، اما ممکن است با حفظ نظم عمومی مغایرت داشته باشد. این تصمیم‌گیری به موجب نظم عمومی برای کل رویداد لازم نیست، بلکه به تشخیص داور بستگی دارد که با توجه به تعادل بین حق مکتسب و مداخله در حفظ نظم عمومی، به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری در زمینه کاهش تأثیر نظم عمومی به عنوان یک نظریه اثر ضعیف بیان می‌شود. قوانین روندی آلمانی و اصول اساسی حقوق آلمان برای تشکیل عدم انطباق با نظم عمومی، نیازی به مداخله عمومی ندارد. مداخله فقط در صورتی اعمال می‌شود که ارائه یک مقررره توسط دادگاه خارجی، "پایه‌های دولت یا زندگی اقتصادی" را در معرض بار ناپذیری قرار دهد. اثر تخفیف‌دهنده نظم عمومی، مطلق نیست. (Atakan, Arda, 2007, 245) در حقوق فرانسوی آمده است که "اگرچه اختراع یک حق مخالف



نظم عمومی است، اثرات این حق باید تشخیص داده شود اگر اثرات آن مخالف نظم عمومی نباشد." بازداشت تشخیص یا اجرای تصمیم دادگاه خارجی داده شده توسط نظم عمومی فقط در صورتی ممکن است که تخلف غیرقابل توجیه از نظم عمومی ترکیه وجود داشته باشد. اثر حقوق اختصاصی کاملاً مداخله نظم عمومی را از بین نمی‌برد. این مبهم است که در چه نقطه‌ای اثر تخفیف‌دهنده نظم عمومی به عنوان مطلق مدنظر قرار می‌گیرد، زیرا تعریف آن خطوط مشخصی ندارد.

۳- پیش‌بینی مداخله در نظم عمومی در شناخت و اجرای تصمیمات دادگاه‌های خارجی

شناخت تصمیم نهایی دادگاه‌های خارجی و/یا اعطای قابلیت اجرای آن‌ها، بدون جستجوی هیچ شرایطی، بدون شک انتقال بی‌قید و شرط اختیار قضایی است که پیامدهایی از قدرت‌های ذاتی کشورهاست، که عملاً غیرممکن است. به همین دلیل شرایط خاصی برای شناخت یا اجرای تصمیمات گرفته شده از دادگاه دولت خارجی تعیین شده است. به عنوان مثال، در حالی که تصمیم اجرایی به عنوان شرط لازمه در قانون ترکیه داده شده است، هدف از شرط تعادل مقتضی حفاظت از منافع سیاسی دولت در نظر دیگر دولت‌ها است و به این ترتیب به خدمت سیاست‌های خارجی دولت کمک می‌کند. هدف ارائه یک قانون حفاظتی است، "که در آن جمله به یک موضوع داده شده است که دیوان‌های دولتی ترکیه مقتدر نیستند"، در مناطقی که اختیارات سرمایه‌داری دولت به طور کامل برقرار است. موضوع مطالعه ما: "شرطی که در آن تأکید شده است که مفاد به وضوح با نظم عمومی مخالف نباشد"، با هدف حفظ منافع عمومی است، نه فقط منافع فردی یا اجتماعی. با این شرط، هدف جلوگیری از آسیب دیدن به فهم و ارزش‌های حقوقی، اخلاقی، سیاسی که در جامعه استوار شده‌اند توسط بیان دادگاه خارجی است. نیاز به اینکه مفاد یک دادگاه خارجی نمی‌تواند با نظم عمومی مخالفت داشته باشد، صرفاً به نفع شهروندان ترکیه پیش‌بینی نمی‌شود. طرفی که تصمیم به حمایت از آن گرفته می‌شود ممکن است شهروند ترکیه یا خارجی باشد. از سوی دیگر، اهمیتی ندارد که آیا تصمیمی توسط دادگاه یک دولت داده شده که با منافع سیاسی دولت هماهنگ نیست یا نه. مهم این است که مفاد با منافع اجتماعی با ترتیب نظم عمومی ترکیه مغایرت ندارد. (Farman, Zeynep Derya, 2011, 148)

۴- ممنوعیت بازنگری (بررسی محتوا) به عنوان یک اصل در مداخله در نظم عمومی

قاضی ترکیه‌ای که پرونده تشخیص یا اجرا را بررسی می‌کند، تصمیم دادگاه خارجی مربوطه را فقط از نظر این مورد می‌تواند بررسی کند که آیا شرایط لازم برای تشخیص یا اجرا را دارد یا خیر. امکان تصمیم‌گیری قاضی در مورد یک تصمیم که با شرایط مربوطه مطابقت ندارد با استفاده از اختیار



خود وجود ندارد. و دوباره، قاضی باید تصمیم دادگاه خارجی را طبق شرایط مورد نظر اجرا کند، حتی در صورت وجود خطاهایی در روند یا حکم. در غیر این صورت، پرونده ادعای مطرح شده در دادگاه یک کشور خارجی مجدداً در دادگاه‌های ترکیه مورد داوری قرار می‌گیرد. بنابراین، تصمیم دادگاه خارجی نمی‌تواند در چارچوب روند قضایی اعمال شده در دادگاه خارجی و دقت قانون قابل بررسی باشد. این به ممنوعیت بازنگری (ممنوعیت بررسی محتوا) معروف است. بازنگری در تصمیم دیوان عالی دیوان عالی دیوان عالی که در سال ۲۰۱۲ صادر شد، به شرح زیر است: قاضی اختیاری ندارد تا دقت و صحت روند دادگاه خارجی را از نظر حقوق مادی بررسی و ارزیابی کند. در چارچوب این تحریم، قاضی قادر نیست تا دلایل موجود را بررسی و ارزیابی کند. وجود یا عدم وجود دلیل در تصمیم مادی مهم نیست در تعیین نقض تصمیم در نظم عمومی. روشن و بی‌شک است که اصول تعیین شده توسط ماده ۱۴۱ قانون اساسی در رابطه با رویه رسیدگی اختصاص داده شده است به صورت انحصاری به دادگاه‌های ترکیه اعمال می‌شود. با اجرای جمله دادگاه خارجی، امکان اجرای تصمیمات دادگاه خارجی که باعث خلاف نظم عمومی می‌شوند وجود ندارد. تصمیم گرفته شد که عدم وجود دلیل موجه برای تصمیمات دادگاه خارجی از اجرای تصمیم دادگاه خارجی نهایی جلوگیری نخواهد کرد و این مورد به عنوان نقض روشن نظم عمومی به معنای ماده ۵۴ / جی از MÖHUK67 محسوب نخواهد شد. تصمیم اعلام کرد که قاضی ترک نمی‌تواند تصمیم دادگاه خارجی را از نظر حقوق مادی بررسی کند و تحریم بازنگری را اعلام کرد. با این حال، این تصمیم مورد انتقاد قرار گرفت که رعایت تصمیمات دادگاه بدون دلیل موجه خلاف نظم عمومی نیست. بسیار حساس است که چه اندازه تصمیمات داده شده توسط دادگاه یک دولت خارجی می‌تواند توسط قاضی ترک بررسی شود. (Begüm, 2015, 134)

۵- ارزیابی قوه قضاییه و معیارهای رویه‌ای برای صلاحیت داور در تعیین تبعیض در نظم عمومی

در مواردی که ترکیه به عنوان دولت داوری در نظر گرفته می‌شود، داور ترک نمی‌تواند به دلیل ممنوعیت بررسی، قانونی که به مبنای اختلاف توسط دادگاه دولت خارجی اعمال شده است را بررسی کند. با این حال، در موارد استثنایی، این قانون ممکن است نادیده گرفته شود که این مسئله صلاحیت داور ترک را در بررسی اختلافات محدود می‌کند. در دعوای مربوط به نظم عمومی و شخصیت ترک‌ها، این موضوع به عنوان یک حالت استثنایی مورد نظر قرار می‌گیرد و اعمال و اجرای قانون بی‌اختیار با توجه به MÖHUK به عنوان مانعی برای تصمیم مطلوب می‌باشد. نقطه‌ی اصلی این دیدگاه این است که اگر قانونی که به مبنای اختلاف به وسیله دادگاه



خارجی اعمال می‌شود، اگر به نظم عمومی ترکیه آسیب جدی بزند و پیامدهای آن قابل تحمل نباشد، تعادل منافع ملی جدی‌تر از ممنوعیت بررسی است. همچنین امکان دارد که دادگاه دولت خارجی قانون ترکیه را به عنوان قانون اعمال شده به مبنای اختلاف داشته باشد. آیا این مانعی برای تشخیص یا اجرا ایجاد می‌کند؟ در صورتی که قانون اعمال شده قانون ترکیه باشد، اما اگر قانون ترکیه به نادرستی اعمال شود؟ به طور اساسی، می‌توان در مورد دیدگاه‌های مختلف دیوان عالی اپلیکیشن در مورد نادرستی اعمال قانون ترکیه صحبت کرد. در برخی از تصمیمات، نادرستی اعمال قانون ترکیه به عنوان یک ناتوانی یا مانع تشخیص دیده نشده است. در برخی از حکم‌ها، ذکر شده است که اعتراض به اینکه قانون ترکیه به طور نادرست اعمال شده است، با قانون نیکوکاری سازگار نیست و اینکه این یک نقض ممنوعیت بررسی است. دیدگاه ما این است که به نتیجه‌ی نادرستی اعمال قانون ترکیه باید نگاه کرد. اگر این نتیجه به اندازه‌ای به ارزش‌هایی که نماینده نظم عمومی ترکیه را به طور ناقابل‌غیر قابل تحمل آسیب بزند، آنگاه باید امکان تشخیص یا اجرای تصمیم دادگاه خارجی که قانون ترکیه به طور نادرست اعمال شده است، وجود نداشته باشد. در واقع، یک تصمیم داده شده توسط دیوان عالی اپلیکیشن در سال ۲۰۰۸ به شرح زیر است: "عدم اجرا یا نادرستی اعمال قانون ترکیه توسط دادگاه خارجی مانع و مانع از نظم عمومی به طور مستقیم نمی‌شود. می‌توان اشاره کرد که نظم عمومی زیر قانون نقض می‌شود اگر مقادیری که اساس نظام حقوقی ترکیه را تشکیل می‌دهند، نقض شود و این امر رها نخواهد شد." (Pürselim, Hatice, 2018, 211)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه گیری

مفهوم "نظم عمومی" به دلیل اینکه مرزهای آن بسیار دشوار به تعیین می‌پردازد و بر اساس زمان، مکان و حتی هر اختلاف محدوده‌ای متغیر است، اختیار گسترده‌ای به قاضی می‌دهد. استفاده از این اختیار بدون هیچ محدودیتی منجر به انکار تشخیص و اجرای هر گونه تصمیمات دادگاه‌های خارجی مغایر با قانون ترکیه خواهد شد. به همین دلیل، تصمیماتی که توسط دادگاه‌های ترکیه برای معیار تعامل نخواهند تحت تأثیر قرار گرفت در دادگاه‌های دولت‌های خارجی اجرا شوند. بنابراین، تمام تصمیمات دادگاهی خارجی که مغایر با استانداردهای اجباری حقوق ترکیه هستند، به عنوان مغایر با نظم عمومی قبول نشوند. تصمیمات دادگاه خارجی باید از نظر پیامدهای آن ارزیابی شوند. ارزش‌هایی که نمایانگر نظم عمومی ترکیه هستند، باید به وضوح توسط این تضاد تحت تأثیر قرار گیرند. در حقوق بین‌الملل خصوصی ترکیه، تشخیص و اجرای تصمیمات دادگاه خارجی اساساً توسط ممنوعیت بازنگری محدود می‌شود. با این حال، در مورد نظم عمومی، در نظریه، برخی نویسندگان دفاع می‌کنند که اجرای ممنوعیت بازنگری باید مهارتمندانه‌تر باشد. این وضعیت به عنوان اثر کاهش یافته نظم عمومی پذیرفته شد و تحت عنوان نظریه اثر کاهش یافته مورد بررسی قرار گرفت. به نظر ما، اجرای دقیق ممنوعیت بازنگری می‌تواند منافع ملی را که باید توسط مداخله در نظم عمومی حفاظت شود، ضعیف کند. بنابراین، در تشخیص و اجرای تصمیمات دادگاهی خارجی، قاضی ترکیه باید برای حفظ تعادل منافع، بدون پیروی دقیق از ممنوعیت بازنگری، بررسی مهارتمندانه‌تری انجام دهد. با این حال، باید توجه داشت که پذیرش مطلق اثر کاهش یافته نظم عمومی تعادل منافع مورد نظر را به هم می‌ریزد. به همین دلیل، تنها باید اثر کاهش یافته نظم عمومی در صورت نقض ارزش‌ها و اصول حقوق ترکیه در بخش غیردسترس نظم عمومی ترکیه پذیرفته شود. از نظر معیارهای اجرایی، در عقیده ترکیه و در تصمیم یک دادگاه عالی اعتراضی در سال ۲۰۱۲، بحث می‌شود که عدم توجیه یک تصمیم دادگاه خارجی، باید به عنوان نقض نظم عمومی در نظر گرفته شود یا خیر. با این حال، در تصمیم دادگاه اروپایی حقوق بشر در این امر، توجیه به عنوان بخشی از حق به محاکمه عادلانه پذیرفته شد و CEDH از کشورهای عضو خواسته است که اطمینان حاصل کنند که تصمیمات دادگاه خارجی مورد تأیید و اجرا توجیه شده باشند. از آنجایی که ترکیه یک کشور عضو CEDH است، داور ترک باید توجیه تصمیمات دادگاه خارجی مورد تأیید و اجرا را جستجو کند.



منابع

- 1- Özkan, Işıl (2008) Yargıtay İçtihatlarına Göre Yabancı Mahkeme Kararlarının Tanınması ve Tenfizinde “Uygulanan Hukuk” Denetimi", Prof. Dr .
- 2- Turgut Akıntürk'e Armağan, Ankara, p. 249-276.
- 3- Pürselim, Hatice Selin ‘Son Gelişmeler Işığında Makedonya Mahkemeleri Tarafından Verilen Boşanma Kararlarının Türkiye’de Tanınması’, III .
- 4- International Conference-Ohrid, The East Of The West, I.a.d. 27-29.06.2018 , III. Uluslararası Doğu Batı Konferansı Kitabı, <<http://www.dogubati.org/dosyalar/DBBDTAM.pdf>>, p. 229-240 .
- 5- Reid, Karen (2012) ‘A Practitioner’s Guide To The European Convention On Human Rights’, Sweet&Maxwell, 4. P., Londra .
- 6- Seviğ, Vedat Raşit ‘Fransız Jürisprudansına Bakış’, <<http://dergipark.gov.tr/download/article-file/13943>>, I.a.d. 23.11.2018, p.191-208.
- 7- Seviğ, Vedat Raşit (1996) ‘Milletlerarası Özel Hukuk Alanında Yetki Anlaşmasının Varlığı’, İHFM, I: 3, p.179-190.
- 7- Süzen, Begüm (2015) ‘Yabancı Mahkemelerden Verilen Birlikte Velayet Kararlarının Tenfizi’, Bahçeşehir Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi, V : 10 ,I: 133-134, p.27-52.
- 8- Şanlı, Cemal (2006) Uluslararası Ticari Akitlerin Hazırlanması ve Uyuşmazlıkların Çözüm Yolları, İstanbul, Beta, 6. P.
- 9- Şanlı, Cemal/ Esen, Emre/ Ataman Figanmeşe, İnci (2015) Milletlerarası Özel Hukuk, İstanbul, Vedat Kitapçılık, 4. P.



10- Tanrıbilir, Feriha Bilge (2010) ‘5718 Sayılı Milletlerarası Özel Hukuk ve Usul Hukuku Hakkında Kanun’un Genel Hükümlerinde Yapılan Değişiklikler Üzerine’, TBB Dergisi, S: 87, p. 195-227.

11- Tarman, Zeynep Derya (2011) ‘Milletlerarası Evlat Edinme Hukukunda Kamu Düzeni Engeli’, AUHFD, I: 2, p. 331-365

12- Köle, Mehmet (2016) Yabancı Mahkeme Kararlarının Tanıma ve Tenfizinde Usul, Dicle University Faculty of Law Journal, V: 21, I: 34, p.39-98.

13- Mutlu, Işıl Umut (2003) ‘Yabancı Hakem Kararlarının Tanınması ve Tenfizinde Kamu Düzeninin Etkisi’, Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Master’s Thesis, Ankara .

14- Nomer, Ergin (2018) Milletlerarası Usul Hukuku, Beta, İstanbul.

Nomer, Ergin (1984) ‘Rızai Boşanma ve Kamu Düzeni’, MHB, V: 4 ,

I: 2, p.94-98.

15- Nomer, Ergin (2010) ‘Yabancı Çekişmesiz Yargı Kararlarının Tanınmasında Kesinleşme Şartı’, Erdoğan Moroğlu's 65th Birthday Award, 2. P., İstanbul, p.909-922.

16- Nomer, Ergin (2011) ‘Yabancı Mahkeme Kararlarının Tenfizinde Gerekçe’, İstanbul Kültür University Faculty of Law Journal, V.10, I.1, 2011, p.9-16.

17- Ökçün, Gündüz (1967) Devletler Hususi Hukukunun Kaynakları ve Kamu Düzeni, Ankara Üniversitesi, Siyasal Bilimler Fakültesi Yayını, Ankara.

18- Özden, Bülent (1993) ‘Alman Mahkemelerinde “Kamu Düzeni” Kavramının Uygulanması’, Journal of Comparative Law Studies of Istanbul University, I: 19, p.101-106.



Public order in the execution of the judgments of international courts

Amirreza Mahmoudi¹ / Ali Moayed Ahmadi²

Article code: JHVMN-2407-1224

Abstract

The issue of recognition and enforcement of foreign court judgments in Turkish law is regulated between articles 50 and 60 of the Private International Law and Procedure Law (MÖHUK) which was implemented on 12.12.2007 No. 5718. According to these regulations, one of the necessary conditions to realize the recognition or enforcement of a judgment of a foreign court in Turkey is that "these judgments should not be clearly contrary to the public order of Turkey." and the scope of this concept will be mentioned, then brief information about the criteria that are taken into consideration in the recognition and enforcement of foreign court judgments in Turkish private international law will be presented. In the following, we will focus on the "public order" intervention and provide detailed comparative information that is the subject of our study. At this stage, the reduced impact theory that explains public order intervention and the purpose of this intervention will be described. In the framework of the prohibition of appeals, the boundaries of public order intervention and the limits of the judge's powers will be examined in the field of basic and ritual criteria. During these reviews, in addition to the Turkish doctrine, the views of the German doctrine will also be discussed and the theoretical knowledge will be tried to be concretely presented in the light of the decisions of the Turkish Supreme Court.

keywords: enforcement of foreign court judgment, public order, prohibition of appeal, theory of reduced impact, reasoned decision.

¹Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.

amirreza.mahmodi@gmail.com

² Masters Student, Department of Law, Faculty of Humanities, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. (Corresponding Author)

moayedahmadi@gmail.com

